

علاقه‌مندی مولانا ابوالکلام آزاد به زبان و ادبیات فارسی

♦ دکتر عابد حسین

بزرگی به عقل است نه به سال

توانگری به دل است نه به مال

بنا به قول دکتر راجندرا پرشاد، نخست رئیس جمهور هند در سراسر تاریخ شبه‌قاره هند، اگر کسی شایسته و لایق ستایش ضرب‌المثل بالا باشد، و با اعمال و افعال خود این را به حقیقت پیوسته، غیر از ذات اقدس مولانا آزاد کس دیگر نیست. مولانا آزاد واقعاً یک نابغه روزگار بوده و دارای خصایص و اوصاف فوق‌العاده‌ای بوده است. سعید نفیسی، عالم نامدار، استاد بزرگوار و پروفیسور دانشگاه تهران درباره احوال و آثار مولانا آزاد به طور مفصل تحریر نموده‌اند. پروفیسور نفیسی بعد از ملاقات با آزاد نه فقط راجع به مهارت شایان وی در زبان و ادبیات فارسی تعریف و توصیف وافیه کرده‌اند، بلکه می‌فرمایند آزاد در فارسی به راحتی و بدون اشتباه حرف می‌زد. بنا به نظر پروفیسور نفیسی، مولانا آزاد ابیات و افکار زیادی از شاعران و دانشوران زبان و ادبیات فارسی در نگارشات و سخنرانی‌های خود به فراوانی نقل می‌کرد. استاد نفیسی از دانشوری مولانا خیلی متأثر شده وی را یکی از عالمان زبردست و چیره‌دست در تاریخ و زبان و ادبیات و کلتور و فرهنگ فارسی به حساب می‌آورد. بدون شک و تردید آزاد یکی از عالمان زبردست و نامور زبان و ادبیات فارسی شمرده می‌شود. دکتر نفیسی باری حکایت معروف و جالبی درباره کشتی‌بان و نحوی را با وی در میان گذاشت،

♦ معلم فارسی مدرسه عالی کلکته و استادیار تخصصی دانشگاه کلکته.

به این شرح که: «روزی در هنگام سفر دریا، یک عالم نحوی از کشتی‌بان پرسید که آیا شما نحو بلد هستید؟» وی پاسخ داد: «نخیر». نحوی گفت: «شما نصف زندگی خود را تلف کردید». ناگهان طوفان شدیدی اتفاق افتاد و سراسر کشتی گیج می‌رفت، و در همان حال کشتی‌بان از نحوی پرسید: «آیا شما شناکردن بلد هستید؟» عالم پاسخ داد: «نخیر». کشتی‌بان جواب داد «پس تمام عمر شما به باد رفت، و شما به زودی این عمر عزیز را از دست خواهید داد»...

بعد از گوش کردن حکایت مولانا آزاد خندید و فرمود:

«این حکایت را مولانا رومی در مثنوی معروف خودش هم بیان کرده است، و بعد از آن همه حکایت منظوم رومی را پیشش خواند»^۱.

حافظه آزاد بسیار دقیق بوده و زمینه مطالعات وی خیلی وسیع و عمیق بود. بدین جهت وی هزارها بیت اردو و فارسی را در نگارشات خود نقل می‌کرد. باری یکی از دوستان به نام مولانا غلام رسول مهر دقیق بودن حافظه آزاد را آزمایش کرد و چند بیتی از شعری را از جای اصل تغییر داد. مولانا آزاد متوجه شد و آن را اصلاح کرد و درستش را خواند. وی در یکی از نامه‌های خود آزاد می‌نویسد:

«همان بیت را سی سال قبل خوانده بودم. امروز، خوشبختانه، با کتاب اصلی روبه‌رو شدم و آن را یافتم، خدا را شکر بیت همان‌طور نقل شده که بنده آن را نقل کرده بودم»^۲.

جوش ملیح‌آبادی یکی از شاعران و عالمان زبان اردو وقتی به مولانا آزاد همین‌طور فرمود: «شما در حقیقت از قبیله ما هستید. پیراهن شما هنوز با ما قرار دارد. پس چرا شما لباس سیاسی را پوشیده‌اید؟»^۳.

واقعاً خدمات شایان آزاد به زبان و ادبیات و علوم و دانش بی‌مثل و یگانه است. نیاز فتح‌پوری عالم معروف، درباره آزاد این‌طور اظهار عقیدت می‌فرماید:

۱. ملسیانی، ارش، ابوالکلام آزاد، ص ۹۲.

۲. همان، ص ۹۳ و هم ملاحظه بشود: خان، رشیدالدین، مولانا ابوالکلام آزاد: شخصیت، سیاست، پیغام، ۱۹۸۹م.

۳. ملسیانی، ارش، ابوالکلام آزاد، ص ۹۱.

"Had he devoted himself to Arabic poetry, he would have been another Mutaunnabi or Badruzzamani. Had he devoted himself only to religious and theological reform, he would have been the Ibne Taimmya of his era. Had he occupied himself solely with philosophical studies, he would not have ranked less than Ibne Rushd (Averros) and Ibne Khalil. Had he turned to Persian poetry, he would have been equal to Urfi and Naziri. Had he inclined towards sufism and moral uplift, he would have been equal to Ghazali and Rumi"^۱.

پروفسور سعید نفسی از ابعاد گوناگون شخصیت مولانا آزاد آن اندازه متأثر بوده که وی را یکی از عالمان پُر مغز و دانشوران بی نظیر به حساب می‌آورد. سعید نفیسی اولین بار که به هند آمد، یک ساعت با مولانا مصاحبه کرد، و فقط میان همان مدت کوتاه شخصیت آزاد از حیث یک عالم جامع و فراگیر زبان و ادبیات عربی و فارسی پیشش مشخص شد، و به خصوص داشتن حافظه شگفت‌انگیز و غیرعادی وی، لایق ستایش بوده. وی نه فقط می‌توانست هزارها بیت از شاعران گوناگون نقل کند، بلکه فهرست کامل آثار آنان را هم بیان می‌فرمود. این اثر شخصیت آزاد زمانی مستحکم‌تر شد که وی سرزمین ایران را زیارت کرد. بنا به قول آقای نفیسی: «هرچند به روی آزاد نگاه می‌کردم، از قامت عالمانه، از انسان‌دوستی و دوستداری علم و دانش وی همان اندازه بیشتر از پیش متأثر می‌شدم»^۲.

همان‌طور که قبلاً عرض کردم مولانا یک خطیب بی‌بدل هم بوده و از سخنرانی وی شنوندگان مات و مبهوت می‌شدند. چرا که همه افکار و اندیشه‌ها و اظهار نظر وی از عمق قلب بیرون می‌آمد و دارای نفوذ و تأثیر بی‌حد و حساب بوده، و بدین علت از دلش خواسته و بر دل‌ها نفوذ می‌گرفت^۳.

۱. ملسیانی، ارش، ابوالکلام آزاد، ص ۹۱-۹۲.

۲. همان، ص ۱۱۰.

۳. خان، رشیدالدین، مولانا ابوالکلام آزاد، شخصیت، سیاست، پیغام، ص ۶۶-۶۵.

بعد از استقلال هند مولانا آزاد شایسته وزارت تعلیم شمرده شد، و وی با ژرف‌اندیشی عالی و استعداد و لیاقت شایانی که در زمینه علوم و تحقیق و درس و تدریس برنامه‌ریزی کرده، وزارت مزبور را از اصلاحات نوین و تازه مملو و مزین ساخت.

مولانا در سال ۱۹۰۲ میلادی به سرزمین عشق و محبت، یعنی زادگاه سعدی خوش‌الحان و صاحب فصاحت و بلاغت و نویسنده گلستان و بوستان که در ادبیات جهان همیشه تازه و پرمشک خواهد بود، و امام تغزل حافظ شیرین‌بیان، و وطنی که سراسر جهان را از شاهکارهای ماندگار و گرانبها مثل شاهنامه فردوسی و مثنوی معنوی مولوی و پندنامه و الهی‌نامه عطار و بهارستان جامی و پریشان قآنی و رباعیات حکیم عمرخیام و کیمیایی که واقعاً باعث سعادت هر دو جهان است، و جز آن، یعنی سرزمین ایران، را زیارت کرد، و از میان آن‌همه وقایع و حکایات جالب و شوق و شورانگیز که در کتاب‌های گوناگون خوانده بود جزئی از آنها را با چشم خود مشاهده کرد، و در بغل از وجود اقدس و مطالعات وافی و تجربیات کافی اهالی ایران‌زمین گلدسته‌ای فراموش‌ناکردنی به شکل پیام اخوت و محبت و امن و آشتی و دوستی و همکاری و همین‌نوع گل و لاله و شکوفه‌های فراوانی اهدا نمود. عالمان و دانشوران و دست‌اندرکاران و سیاستمداران مخصوصاً، و اهالی سرزمین مزبور عموماً از این شخصیت محترم و معظم، یعنی مولانا آزاد، استقبال شایانی کردند. خبرنگاران روزنامه‌ها و مجله‌ها و دانشجویان و استادان و شاعران و نویسندگان زیادی علاوه بر سیاستمداران و عموم مردم در محل اقامت وی به دیدن مولانا رفتند. چون مولانا استعداد کامل به زبان و ادبیات فارسی داشته و حدوداً همه کتاب‌های معروف ادبیات فارسی را تحت مطالعه خود قرار داده و هزارها ابیات فارسی را از بر کرده و به مناسبت موقعیت متناسب از آنان استفاده هم می‌کرده، بدین علت بدون کمک هیچ‌کس با آنان تبادل نظر کرد و پرسش‌های آنان را به طور کامل و خوب و مطمئن پاسخ داد.

مولانا آزاد فوق‌العاده ذی‌هوش و ذکی‌الذهن و ذکی‌الحس و خوش‌مشرّب و شیرین‌ذوق بود. وی در بلندپایگی و جسارت دینی و اخلاق اسلامی، و در فن

نویسندگی و نطق و سخنرانی و خوش‌بیانی، و در هنر خداداد فصاحت و بلاغت و در فضیلت علمی کاملاً نابغه و عدیم‌المثال بود، و حتماً محسن اعظم شبه‌قاره هند و اهالی هند بود.

از احوال جناب مولانا ابوالکلام آزاد در ایام اقامت ایران پی‌می‌بریم که ایشان در دوران توقف در تهران عملاً ساکت و خاموش نبود، چه در اوقات فرصت در خواندن روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی و در یادگرفتن طرز گفتار و گفتگو و حرف‌زنی به سبک ایرانی و در آموختن لهجه تهرانی مشغول بود.^۱ چون حافظه‌اش فوق‌العاده قوی و نیرومند و زبردست بوده، در کمترین مدت اقامت در تهران سراسر نشیب و فراز گفتگو و حرف‌زنی و نطق و سخنرانی را به خوبی درک کرد و یادگرفت. در ظرف مدتی کوتاه، برنامه‌ای برای نطق مولانا آزاد مرتب شد. اولاً دکتر شهاب سنجانی وزیر فرهنگ دولت ایران در هنگام معرفی مولانا آزاد اظهارداشت:

«شخصیت جناب آقای مولانا ابوالکلام آزاد میهمان گرامی و عالی‌قدر ما قبل از تشریف‌فرمائی اخیر به تهران نیز بر ما مجهول نبود. جناب مولانا ابوالکلام یکی از پیشوایان بزرگ و از پیشقدمان آزادی و استقلال هند بوده‌اند».^۲

دکتر شهاب سنجانی مزید در مورد شخصیت عظیم وی به بهترین توصیف و تمجید درباره مولانا حقیقت واقعی را بیان کرد. سپس مولانا آزاد به ایراد نطق خود پرداخت. خوش‌بیانی و خوش‌منظری نطق شفاهی مولانا آزاد در زبان تازه فارسی و به سبک‌نوین تهرانی در آن موقع شنیدنی و دیدنی بود. مولانا آزاد در روزی ماقبل مرخصی از تهران در «تالار فرهنگ» در حضور جمعی کثیر بالغ بر یک‌هزار و دویست نفر نطق خود را ایراد کرد و موضوع نطق وی «روابط باستانی ایران و هند» بود. این نطق، نطق علمی و ادبی و فرهنگی و معلوماتی و عالمانه و تاریخی بود. در وقت نطق طرز زبان و بیان در برابر ایرانیان به طوری شیرین بود که لعل و گهر از زبان حضرت مولانا می‌چکید. شنوندگان مدهوش و از خودشان بی‌خبر بودند. نطق حضرت مولانا که

۱. برق، دکتر عطاکریم، مجله اندو ایرانیکا، ج ۲، ص ۴۵-۴۴

۲. همان، ص ۴۵.

تقریباً یک‌ساعت و اند طول کشید، به طوری روان و جالب و قشنگ و دلکش بود که نه تنها اهالی هند، بلکه شهرنشینان ایرانی هم به توصیف و تمجید حضرت مولانا پرداختند. پس از اتمام نطق، دانشجویان دانشگاهی چه پسر و چه دختر دست و بازو و پا و پیشانی حتی دامن‌های لباس حضرت مولانا را بوسه دادن آغاز کردند. در آن اوضاع شلوغی در سراسر تالار به طوری شد که بزرگان ایرانی حضرت مولانا را در حلقه و حفاظت خودشان گرفتند، تا حضرت مولانا از اذدهام و مزاحمت و پریشانی دور و محفوظ بماند. اما آنهایی که میل داشتند و خواهشمند بودند تا دستخط و امضاء حضرت مولانا را به دست بیاورند، پسران و دختران دانشگاهی همه یکی‌یکی به حضور حضرت مولانا رجوع می‌کردند، و به گرفتن امضاء موفق شده برمی‌گشتند.

درباره مولانا آزاد رهبر عظیم استقلال و آزادی هند مهاتما گاندی این‌طور اظهار عقیدت می‌کند که: «این باعث سعادت بنده است که از سال ۱۹۲۰ میلادی با مولانا آزاد در کارهای ملی همکاری کرده‌ام، وی در علوم اسلامی بی‌نظیر بوده، و یکی از عالمان زبردست و چیره‌دست زبان عربی بود. میهن دوستی وی مثل عقیده وی بر اسلام نیرومند بودم»^۱.

دکتر راجندر پرشاد در توصیف وی ضرب‌المثل معروفی عرض کرده که «بزرگی به عقل است نه به سال، توانگری به دل است نه به مال» و افزود که در سراسر تاریخ ما غیر از مولانا آزاد کسی شایسته این ضرب‌المثل به‌نظر نمی‌آید. فقط بعد از خدمت دوساله در سن ۳۴ سالگی مولانا آزاد را به عنوان رئیس حزب کانگریس انتخاب کردند. بعد از فوت شدن مولانا، دوست صمیمی و همکار عزیز وی و نخست‌وزیر هند پاندت جواهرلال نهرو در ایوان بالا همین‌طور اظهار عقیدت فرمود:

"It has become almost a commonplace, when a prominent person passes away, to say that he is irreplaceable, that his passing away has created a void which cannot be filled. To some extent that is true in

۱. ملسیانی، ارش، ابوالکلام آزاد، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۷۴-۱۷۳.

regard to the passing away of Maulana Azad. I do not mean to say that no great men will be born in India in future. We have great men and shall have great men; but, I do submit that peculiar and special type of greatness that Maulana Azad represented is not likely to be reproduced in India or anywhere else".

منابع

۱. ملسیانی، ارش، ابوالکلام آزاد، دهلی، ۱۹۷۶م.
۲. خان، رشیدالدین، مولانا ابولکلام آزاد، شخصیت، سیاست، پیغام، دهلی، ۱۹۸۹م.
۳. برق، دکتر عطاکریم، مجله اندو ایرانیکا، جلد ۴۲، ۱۹۸۹م.